

فصلنامه علمی - تخصصی  
مطالعات قرآنی نامه جامعه  
سال بیستم - شماره ۱۴۱  
بهار ۱۴۰۱

## واکاوی ویژگی‌های «امت اسلامی» در قرآن

نسرین انصاریان<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مفاهیم ذکر شده در آموزه‌های دینی، امت اسلامی است که از طرق مختلف می‌توان به ویژگی‌های آن پی برد. از آنجا که قرآن، ثقل اکبر است و بسیاری از این آموزه‌ها از قرآن به دست می‌آید، تحلیل تفسیری این ویژگی‌ها از طریق بررسی آیاتی که محتوای آنها بیان اوصاف امت اسلامی است، امکان‌پذیر است. اهمیت پرداختن به این مطلب آن است که تبیین این ویژگی‌ها از زبان قرآن، برتری دین اسلام نسبت به سایر ادیان را مشخص می‌کند و این امر برای غیرمسلمانان، تبلیغ دین اسلام و برای مسلمانان، تشویق و حس افتخار و بالندگی نسبت به سایر امت‌ها را به دنبال دارد. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی بود که ویژگی‌های امت اسلامی در قرآن چیست؟ نتایج این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفت، این بود که برخی ویژگی‌های امت اسلامی که موجب برتری آن نسبت به امت‌های دیگر شده است؛ مواردی همچون بهترین امت، امت وسط، شاهد بر مردم و متصف به صفات نیک امت‌های قبل بودن است.

واژگان کلیدی: امت اسلامی، بهترین امت، امت وسط، شاهد بر مردم، صفات نیک امت‌های قبل.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار گرایش تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران؛ [nasrin.ansarian@yahoo.com](mailto:nasrin.ansarian@yahoo.com)

## مقدمه

«امت اسلامی»، امت آخرین پیامبر الهی است که به حکم عقل باید عقاید، اخلاق و احکام آن از سایر امت‌ها، کامل‌تر و به تبع آن برترین امت باشد. پی بردن به این برتری از طرق مختلفی امکان‌پذیر است که یکی از آن‌ها، دانستن ویژگی‌های امت اسلامی است. از آنجا که قرآن نزد مسلمانان، ثقل اکبر و مورد تأیید سایر ادیان است؛ پی بردن به ویژگی‌های امت اسلامی در قرآن از این جهت اهمیت دارد که با دانستن آن برای مسلمانان، افتخار به دنبال دارد و برای غیرمسلمانان، تبلیغی در راستای دین اسلام به شمار می‌رود. بنابراین هدف این پژوهش، واکاوی ویژگی‌های امت اسلامی در آیات قرآن و رسیدن به این هدف، با پاسخ‌گویی به این سؤالات میسر است که ویژگی‌های امت‌های الهی در آیات قرآن چیست؟ ویژگی‌های امت اسلامی در آیات قرآن چیست؟ بررسی پیشینه نگارشی این موضوع حاکی از آن است که برخی نیز به طور اختصاصی به این بحث پرداخته و نوشته‌های فراوانی را در این رابطه به رشته تحریر درآوردند؛ از جمله:

- کتاب امت اسلامی نوشته جمعی از فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام که در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب در بردارنده مجموعه مقالات بیست و سومین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی است که در سال ۱۳۸۸ش با هدف برداشتن گامی مثبت در زمینه عمل به مضامین وحدت و تقریب امت اسلامی برگزار شد.

- کتاب امت اسلام اثر حسن رحیم پور ازغدی که در سال ۱۳۷۹ توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده است شبهات مرتبط با وحدت را با استفاده از سیره و کلام اهل بیت علیهم‌السلام پاسخ دهد.

- مقاله «پیوستگی در امت اسلامی» تألیف حبیب‌الله بابایی که در شماره ۲ مجله نقد و نظر در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. در این مقاله برجسته‌ترین عناصر مشترک بین امت اسلام در مقیاس فردی و اجتماعی بیان شده است.

- مقاله «امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین» اثر مشترک نقی غیائی و قدرت‌الله نیازی که

در شماره ۲۵ مجله مطالعات تفسیری در ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. این مقاله ضمن بازخوانی دیدگاه‌های مطرح درباره «امت وسط»، آن‌ها را در بوته نقد گذاشته است. مطالب مقاله حاضر تا حدودی به بحث «امت وسط» از ویژگی‌های امت اسلام در این مقاله، مرتبط است.

مقاله «بررسی تطبیقی مفهوم امت با تکیه بر آرای تفسیری مفسران» اثر مشترک عباس مصلاهی پور و ایوب پروینی که در شماره ۲۹ مجله نشریه مطالعات تفسیری و در ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. این مقاله تلاش کرده است اثبات کند مفهوم امت در قرآن، تنها به گروه و جماعت اطلاق نمی‌شود؛ بلکه برای زمان، دین، قصد، آیین و روش نیز استعمال می‌شود. اگر چه تنوع موضوعی در نوشته‌های مربوط به «ویژگی‌های امت اسلامی» حاکی از اهمیت موضوع «امت اسلامی» در ابعاد مختلف است، اما پس از بررسی و تتبع در وبگاه‌های علمی کشور مشخص شد که در زمینه «ویژگی‌های امت اسلامی در قرآن» و نزدیک به این موضوع، تا کنون تحقیقی به صورت مستقل صورت نگرفته است. بنابراین هدف این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفت، پرداختن به این موضوع برای جبران این خلأ پژوهشی است. در راستای روشن شدن بحث و ایجاد فضای فکری برای خواننده، ابتدا به «ویژگی‌های امت‌ها» در آیات الهی و سپس به «ویژگی‌های امت اسلام» و آیات مرتبط با آن پرداخته شده است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

برای تبیین مطلب ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی واژه «امت» و کاربرد این واژه در قرآن بیان می‌شود.

### واژه اَمَّت

#### الف) معنای لغوی

ریشه واژه امت، «ام م» است که لغویان آن را به معنای «اصل» می‌دانند (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۶). برخی دیگر نیز دامنه گسترده‌تری برای آن قائلند و آن را به معنای «اصل»، «مرجع»،

«جماعت» و «دین» می‌دانند و معتقدند که همه این معانی، متقارب هستند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۹).

### ب) معنای اصطلاحی

امت در اصطلاح به معنای «گروهی است که هدف اصلی و واحدی دارند». این گروه می‌تواند گروهی از افراد یا محدوده خاصی از زمان یا مکان باشد؛ همان‌طور که برخی لغویان اشاره کرده‌اند که در کلام عرب، واژه «امت» گاهی به معنای محدوده‌ای از مکان است؛ مانند «كَمْ أُمَّتٍ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْكُوفَةِ؟» فاصله بین تو و کوفه چه مقدار است؟ (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۴، ص ۲۴۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵).

### ج) «امت» در آیات

واژه «أُمَّة» در قرآن با «ال» به کار نرفته است، اما ۴۷ بار بدون «ال» و به صورت نکره، استعمال شده است که ۲۲ بار بدون صفت و ۲۵ بار دارای صفت، و در حالت اخیر شامل موارد زیر است:

- دارای صفت به صورت مرفوع در آیات: ﴿أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ﴾ (بقره: ۱۳۴ و ۱۴۱)؛ ﴿أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ﴾ (آل عمران: ۱۰۴)؛ ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ﴾ (آل عمران: ۱۱۳)؛ ﴿أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾ (مائده: ۶۶)؛ ﴿أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ﴾ (اعراف: ۱۵۹) و ﴿أُمَّةٌ مِنْهُمْ﴾ (اعراف: ۱۶۴).

- دارای صفات به صورت منصوب در آیات: ﴿أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ﴾ (بقره: ۱۲۸)؛ ﴿أُمَّةٌ وَسَطًا﴾ (بقره: ۱۴۳)؛ ﴿أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ﴾ (بقره: ۲۱۳؛ مائده: ۴۸؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ انبیاء: ۹۲؛ مؤمنون: ۵۲؛ شوری: ۸؛ زخرف: ۳۳)، ﴿أُمَّةٌ قَانِتًا﴾ (نحل: ۱۲۰) و ﴿أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ﴾ (قصص: ۲۳).

- دارای صفت به صورت مجرور: ﴿أُمَّةٌ مَّعْدُودَةٌ﴾ (هود: ۸) و ﴿أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ﴾ (رعد: ۳۰). بنا بر تتبع کاربردهای قرآنی واژه «امت»، کلمه «امت» در هر عبارت قرآنی بیاید؛ به معنای جماعتی است که در آن گفتار مورد نظر باشد که شامل موارد زیر است:

### یک) جماعتی از «زمان»

گاهی مراد از «امت» در آیات، جماعتی از زمان است؛ مانند آیه ﴿وَلَيْسَ أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ

أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ؛ «اگر عذاب را تا چند گاهی از آنان به تأخیر افکنیم» (هود: ۸). در این آیه مراد از «أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ»، مدت محدودی از زمان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۵۴). در آیه «وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ؛ «و آن کس از آن دو که نجات یافته و پس از چندی به خاطر آورده بود، گفت» (یوسف: ۴۵) نیز مراد از «بَعْدَ أُمَّةٍ»، پس از مدتی از زمان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۱۸۸).

#### دو) جماعتی از «آیین‌ها»

گاهی واژه «امت» در آیات به معنای جماعتی از آیین‌ها و روش‌ها و به عبارت دیگر دین است؛ مانند آیه «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ»؛ «گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما با پیگیری از آنان راه یافتگانیم» (زخرف: ۲۲).

#### سه) جماعتی از «زندگان»

گاهی واژه «امت» در آیات، به معنای جماعتی از زندگان است؛ مانند آیه «قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا»؛ «گفت: در میان امت‌هایی از جن و انس که پیش از شما بوده‌اند، داخل آتش شوید. هر بار که امتی درآید، هم‌کیشان خود را لعنت کند» (اعراف: ۳۸). همان‌گونه که در آیه مشخص است، مراد از «أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا» جماعتی از جن و انس است.

#### چهار) جماعتی از «انسان‌ها»

گاهی واژه «امت» در آیات، به معنای جماعتی از انسان‌هاست که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند؛ مانند آیه «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ»؛ «و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که آب می‌دادند» (قصص: ۲۳) که با توجه به سیاق، مراد جماعتی از چوپانان است.

#### پنج) «فرد پیرو یک آیین»

گاهی واژه «امت» در آیات، به معنای فرد پیرو یک آیین است؛ مانند آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا»؛ «به راستی ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق‌گرای بود» (نحل: ۱۲۰). در این رابطه



برخی آورده‌اند که ابراهیم علیه السلام امتی بود که تا مدتی تنها يك فرد داشت و آن هم خودش بود؛ زیرا تا مدتی غیر از آن جناب، فرد دیگری موحد نبود (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۸۳).

بنابراین با توجه به موارد استعمال واژه «امت» در قرآن، واژه مذکور در آیات الهی در بیشتر موارد برای گروهی از انسان‌ها استعمال شده است و مراد این نوشته از امت نیز همین معناست که در برخی آیات، مراد همه امت‌ها و در برخی آیات، مراد امت اسلام است.

## ۲-۱. ویژگی‌های «امت‌های الهی» در آیات قرآن

در برخی آیات، ویژگی‌های عامی بیان شده است که شامل همه امت‌ها می‌شود. در ادامه برای روشن شدن تفاوت ویژگی‌های خاص امت اسلامی، به آن ویژگی‌های کلی اشاره می‌شود.

### ۱-۲. رسول داشتن همه امت‌ها

اولین ویژگی امت‌ها در قرآن، «رسول داشتن» آن‌هاست. این مطلب در برخی آیات به صورت ایجابی آمده است؛ مانند آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا»؛ «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم» (نحل: ۳۹) و آیه «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ»؛ «و هر امتی را پیامبری است» (یونس: ۴۷). در برخی آیات نیز به صورت سلبی آمده است؛ مانند آیه «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ»؛ «و هیچ امتی نبوده است، مگر اینکه در آن هشداردهنده‌ای گذشته است» (فاطر: ۲۴). در برخی آیات نیز به صراحت ذکر شده است که مراد، امت کدام پیامبر است؛ مانند آیه «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ»؛ «و از میان قوم موسی جماعتی هستند» (اعراف: ۱۵۹) و آیه «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ»؛ «و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا پند می‌دهید» (اعراف: ۱۶۴) که با توجه به سیاق مرجع ضمیر، «مِنْهُمْ» گروهی از امت موسی علیه السلام است.

### ۲-۲. شرایع مختلف

دومین ویژگی امت‌ها در قرآن، «داشتن شرایع مختلف» است. با وجود اینکه رسولان امت‌ها همگی از جانب خدا آمده‌اند، اما شریعت آن‌ها متفاوت است؛ چنانکه در آیه‌ای آمده است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا»؛ «و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم» (حج: ۳۴ و ۶۷). همچنین تعبیر «أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ»

در ۹ آیه (بقره: ۲۱۳؛ مائده: ۴۸؛ یونس: ۱۹؛ هود: ۱۱۸؛ نحل: ۹۳؛ شوری: ۸؛ زخرف: ۳۳؛ انبیاء: ۹۲ و مؤمنون: ۵۲) آمده است که جمع بندی مطالب پیرامون آیات، گویای یکی بودن دین همه امت ها و تفاوت در شریعت آن هاست. یکی از این آیات، این آیه است: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاوُزًا وَاللَّهُ لَجَعَلِكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾؛ «برای هر يك از شما (امت ها)، شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می خواست شما را يك امت قرار می داد» (مائده: ۴۸).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه در المیزان آورده است: «در عرف و اصطلاح قرآن، کلمه شریعت در معنایی خصوصی تر از معنای دین استعمال می شود. شریعت عبارت است از طریقه ای که برای امتی از امت ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین شده باشد، اما دین عبارت است از سنت و طریقه الهیه. پس دین، معنایی عمومی تر از شریعت دارد و به همین دلیل شریعت نسخ می پذیرد، اما دین نسخ پذیر نیست». ایشان در ادامه آورده اند: «خداوند بندگان خود را به يك دین، متعبد کرده است و آن، تسلیم خدا شدن است؛ اما اراده خداوند به این تعلق نگرفته است که برای رسیدن بندگان به این هدف، یک شریعت واحد قرار دهد؛ همان گونه که عبارت ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ گویای این مطلب است» (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۴۸). این مفسر بزرگ در جایی دیگر آورده است: «هر دین الهی دو دسته آموزه های بنیادین یعنی عقاید و احکام دارد. عقاید، آموزه هایی پیرامون واقعیات هستی مانند خدا، عالم ملکوت، انسان، پیامبران، جهان آخرت و ... است که دین، ناظر به آن هاست و با گذشت زمان و تغییر امت ها دگرگون نمی شود. احکام، بیانگر رفتارهای فردی و روابط اجتماعی و قوانین کیفی و جزایی است که شریعت ناظر به آن هاست و با گذشت زمان و بسته به نیازها و مقتضیات هر عصر و هر امتی، تغییر و تحول می یابد. بدین جهت قرآن دین همه امت ها را یکسان و شریعت ها را متفاوت دانسته است» (همان، ج ۱۸، ص ۳۰). ایشان در بقیه آیات نیز مشابه این مطالب را آورده است (ر.ک: همان: ج ۲، ص ۱۱۱؛ ج ۱۰، ص ۳۱؛ ج ۱۱، ص ۶۰؛ ج ۱۲، ص ۳۳۶؛ ج ۱۸، ص ۱۹؛ ج ۱۸، ص ۱۰۰؛ ج ۱۴، ص ۳۲۱؛ ج ۱۵، ص ۳۵).

### ۲-۳. برخورد متفاوت امت‌ها

سومین ویژگی امت‌ها در قرآن، «برخورد متفاوت امت‌ها با رسولان الهی و دستورات آورده شده از جانب ایشان» است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته زیر تقسیم کرد:

#### ۲-۳-۱. تسلیم و هدایت‌گر بودن

برخی آیات برخورد گروه خاصی از انسان‌ها با رسولشان را تسلیم و میانه‌رو بودن آن‌ها ذکر می‌کنند؛ از جمله آیه «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ»؛ «از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند» (مائده: ۶۶). در این رابطه آمده است: امت مقتصده، امتی است که در امر دین و تسلیم نسبت به دستورات الهی، میانه‌رو و معتدل باشد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۳۷). برخی آیات ضمن بیان اینکه قوم کدام نبی بوده است، پا را فراتر گذاشته و آن‌ها را قومی «هدایت‌گر» دانسته و آورده است: «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ «و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داور می‌نمایند» (اعراف: ۱۵۹). سیاق آیه بر این امر دلالت دارد که آیه درباره افراد صالح قوم موسی علیه السلام است که برای آن‌ها دو صفت «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ» و «بِهِ يَعْدِلُونَ» ذکر شده است.

#### ۲-۳-۲. تکذیب و مجادله‌گر بودن

در مقابل گروه اول که تسلیم اوامر الهی و هدایت‌گر بودند، برخی امت‌ها رسولشان را تکذیب می‌کردند؛ همان‌طور که آیه زیر به این امر اشاره می‌کند: «كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ»؛ «هر بار برای امتی پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند» (مؤمنون: ۴۴). برخی امت‌ها پا را از تکذیب رسولان فراتر می‌گذاشتند و به جدال با آن‌ها می‌پرداختند که آیه زیر بر این مطلب دلالت می‌کند: «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ»؛ «و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند و به باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند» (غافر: ۵).

#### ۲-۴. اجل داشتن همه امت‌ها

چهارمین ویژگی امت‌ها در آیات، «اجل داشتن آن‌ها» است؛ یعنی همان‌گونه که افراد بشر اجل مشخصی دارند، امت‌های مختلف بشری نیز دارای اجلی مشخص هستند؛ مانند آیات:



- «مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ»؛ «هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می‌گیرد و نه باز پس می‌ماند» (مؤمنون: ۴۳؛ حجر: ۵).

- «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ «هر امتی را زمانی است. آن گاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی تأخیر کنند و نه پیشی گیرند» (یونس: ۴۹ و شبیه آن در اعراف: ۳۴).

این مطلب در برخی آیات با عباراتی دیگر آمده است؛ مانند آیه «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ»؛ «آن جماعت را روزگار به سر آمد...» (بقره: ۱۳۴ و ۱۴۱) و آیه «كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ»؛ «بدین‌گونه تو را در میان امتی که پیش از آن امت‌هایی روزگار به سر بردند، فرستادیم» (رعد: ۳۰).

## ۲-۵. محشور شدن همه امت‌ها

پنجمین ویژگی امت‌ها در قرآن، «محشور شدن همه آن‌ها» است که در برخی آیات مانند آیات زیر به آن اشاره شده است:

- «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا»؛ «و آن روز که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند، محشور می‌گردانیم» (نمل: ۸۳).

- «كُلُّ أُمَّةٍ تَدْعِي إِلَىٰ كِتَابِهَا»؛ «هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود» (جاثیه: ۲۸).

## ۲-۶. شاهد داشتن هر امت

ششمین ویژگی همه امت‌ها در قرآن، «شاهد داشتن آن‌ها» است که در آیات زیر به آن اشاره شده است:

- «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ»؛ «پس چگونه است آن‌گاه که از هر امتی، گواهی آوریم» (نساء: ۴۱).

- «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا»؛ «و روزی را که از هر امتی، گواهی برمی‌انگیزیم» (نحل: ۸۴).

- «وَنُرْعَا مِنَ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا»؛ «و از میان هر امتی، گواهی بیرون می‌کشیم» (قصص: ۷۵).

### ۳. ویژگی‌های «امت اسلامی» در قرآن

آنچه تا کنون بیان شد، ویژگی‌هایی بود که شامل همه امت‌ها می‌شود. در این بخش ویژگی‌های خاص امت اسلامی بیان می‌شود.

#### ۱-۳. بهترین امت

اولین ویژگی امت اسلامی در آیات الهی، «بهترین امت بودن» است که در آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. شما به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید» (آل عمران: ۱۱۰)، به آن اشاره شده است. برخی مفسران مراد از «خَيْرَ أُمَّةٍ» را «بهترین گروه انسانی» (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۹) و برخی «بهترین دین» می‌دانند (ر.ک: اخفش، ۱۴۲۳، ص ۱۴۶؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰). قول به «بهترین گروه انسانی» ارجح است؛ زیرا با توجه به سیاق آیه یعنی «أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، یکی از دلایل بهترین امت بودن، «آمر به معروف و ناهی از منکر بودن» آنان است که صحت آن در گروه انسانی دانستن امت است؛ هرچند اگر مراد «بهترین دین» هم باشد، به طریق اولی شامل گروه انسانی که بهترین دین را دارند نیز می‌شود.

آمر به معروف و ناهی از منکر بودن در سایر امت‌ها نیز وجود دارد، اما ذکر آن به عنوان دلیل برتری امت اسلام این است که در این امت، با تأکید زیاد یعنی «قتال» آمده است. اگر چه امر به معروف و نهی از منکر با ابزارهایی مانند قلب، زبان، دست و... نیز امکان پذیر است، اما «قتال» قوی‌ترین ابزار آن است که در دین اسلام برای این فریضه جایز دانسته شده است. دلیل تأکید آن نیز این است که در «قتال» جان انسان در خطر است؛ یعنی پذیرش بزرگ‌ترین ضرر برای خود برای رساندن بزرگ‌ترین نفع به غیر خود. از این رو این امر موجب فضیلت امت اسلام شده است (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۲۶).

در تبیین مراد از «كُنْتُمْ»، دو قول «اصحاب پیامبر ﷺ» و «همه مؤمنان» مطرح است. به نظر می‌رسد قول دوم صحیح است، به این دلیل نقضی که اگر مراد تنها اصحاب پیامبر ﷺ بود؛ در آیه «أَنْتُمْ» می‌آمد، نه «كُنْتُمْ» (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳)؛ زیرا «کان ناقصه

و مشتقات آن «مجرد از زمان است و شامل همه زمان‌ها می‌شوند؛ مانند آیه «وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۹۶ و ۱۰۰) که فعل «کان» آمده است و مراد، غفران و رحیمیت خداوند در همه زمان‌هاست (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۷۶).

در هر حال مزین بودن به صفت خیر امت برای امت اسلام، موجب شده است که در برخی کتب روایی شیعه (ر.ک: حویزی عروسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۲۳؛ مجلسی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۸۶) و برخی کتب روایی اهل سنت (ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۸۷) عبارت «امت مرحومه» برای این امت ذکر شود و مزیت‌های فراوان دنیوی و اخروی برای آنان بیان گردد.

#### الف) مزیت‌های دنیوی

برای مثال روایت زیر برخی مزیت‌های دنیوی را برای این امت بیان می‌کند: «قال رسول الله ﷺ: اعطيت ما لم يعط احد من انبياء الله. قلنا: يا رسول الله! ما هو؟ قال: اعطيت مفاتيح الارض و سميت احمد و جعل لي شراب الارض طهورا و جعلت امتي خير الامم؛ پیامبر ﷺ فرمود: آنچه که به احدی از انبیا عطا نشده است، عطا شدم. گفتیم یا رسول‌الله! آن چیست؟ فرمود: کلیدهای زمین به من عطا شده است و احمد نامیده شدم و نوشیدنی زمین برای من پاک قرار داده شد و امتم، بهترین امت قرار داد شده است» (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۴۴).

#### ب) مزیت‌های اخروی

روایت زیر نیز به برخی مزیت‌های اخروی این امت اشاره دارد: «قال رسول الله ﷺ: ما من امة الا بعضها في النار و بعضها في الجنة و امتي كلها في الجنة ان الجنة حرمتم على الانبياء كلهم حتى ادخلها انا و حرمتم على الأمم حتى يدخلها امتي؛ پیامبر ﷺ فرمود: هیچ امتی نیست مگر اینکه برخی از آن‌ها در آتش و برخی در بهشت هستند، در حالی که تمام امت من در بهشت هستند. بهشت بر همه انبیا حرام شده است تا اینکه من داخل آن شوم و بر همه امت‌ها حرام شده است تا اینکه امت من داخل آن شود» (ر.ک: همان).

#### ۲-۳. امت وسط

دومین ویژگی امت اسلام، «امت وسط بودن» است که در آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»؛

«و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم» (بقره: ۱۴۳) به آن اشاره شده است. در روایتی نیز آمده است: «الْأُمَّةَ الَّتِي وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ وَ هُمْ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَ هُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ؛ امتی که ابراهیم علیه السلام از پروردگار درخواست نمود (که از فرزندان او پیامبری را برانگیزد)، آن ها بهترین امت و امت وسط هستند که در جامعه انسانی وجود دارند» (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۸).

### مراد از وسط بودن

درباره مراد از «وسط بودن»، اقوالی مطرح است:

- برخی مراد از «وسط» در آیه را عادل بودن می دانند. این قائلان دلایلی ذکر کرده اند؛ از جمله:

- در آیه ﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ﴾ (قلم: ۲۸)، مراد از «أَوْسَطُهُمْ»، «أَعْدَلُهُمْ» است (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۶). برخی افزون بر این آیه، در آیه «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ» (مائده: ۸۹) نیز مراد از «أَوْسَطِ» را «أَعْدَلِ» دانسته اند (ر.ک: ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۴۵). آن ها در این آیه نیز مراد از «وسط» را «عدل» و مراد از «امت وسط» را «امت عادل» دانسته اند.

- مراد از «وسط» این است که به یکی از دو طرف و «عدل» هم به یکی از دو طرف مایل نمی شود (ر.ک: ابن عربی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۴). پس مراد از وسط بودن امت اسلام، منحرف نشدن به طرفین و عادل بودن است.

- مراد آیه مذکور، مدح امت اسلام است که در صورت عادل بودن آنان امکان پذیر است (ر.ک: ابن عادل، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۴۱۲).

همه دلایل گفته شده برای «عدل» دانستن معنای «وسط»، قابل جمع و صحیح هستند.

- برخی مراد از «وسط» در آیه را «برگزیده» دانسته و دلایلی برای قول خود ذکر کرده اند؛ از جمله:

- امت اسلام در دین افراط و تفریط نمی کنند؛ از این رو «امت وسط و برگزیده» هستند (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۰؛ کاشانی، ۱۳۱۳، ج ۱، ص ۳۱۴).

• مکانی که در وسط است، مکانی برگزیده است که به دلیل احاطه اطراف بر آن، دشمن به آن دسترسی ندارد (ر.ک: ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۷۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۸).  
امت اسلام نیز «وسط و برگزیده» است و دشمن به آسانی بر آن احاطه ندارد.  
- برخی نیز هر دو قول را ذکر کرده‌اند، اما قول به «برگزیده بودن» را ارجح دانسته‌اند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۵۳). از میان این گروه، برخی دلیل رجحان «برگزیده بودن» را این دانسته‌اند که عزت و برگزیده بودن، از لوازم معنای وسط است (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۸).  
- برخی هر دو قول را متقارب دانسته (ر.ک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۸۷) و برخی ضمن پذیرش هر دو قول، این دلیل را آورده‌اند که در ادامه آیه عبارت «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» آمده است؛ یعنی «وسط» بودن آن‌ها برای این است که شاهد بر مردم هستند و تنها «شهادت عادل و برگزیده» صحیح است (ر.ک: نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۲۲؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۷۳).  
به دلیل صحت دلایل گفته شده و عدم تناقض آن‌ها با یکدیگر، قول اخیر قابل قبول است، اما در پاسخ این پرسش که این گروه چه کسانی هستند؟؛ با توجه به سیاق آیه یعنی رو به قبله بودن هنگام نماز خواندن که مربوط به همه مسلمانان است، پس عادل و برگزیده بودن نیز شامل همه مسلمانان می‌شود (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۸).

### ۳ - ۳. شاهد بر مردم

ویژگی سوم امت اسلام، «شاهد بر مردم بودن» است که در آیه «لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»؛ «و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد» (بقره: ۱۴۳) به آن اشاره شده است. برخی مفسران تأخیر جار و مجرور «عَلَى النَّاسِ» را بر «شُهَدَاءَ» دلیل اثبات شهادت آنان بر سایر امت‌ها دانسته‌اند؛ چنانکه در ادامه آیه تقدیم جار و مجرور «عَلَيْكُمْ» بر «شَهِيدًا» را دلیل اختصاص دادن آنان به اینکه رسول، شاهد بر آنان است؛ عنوان کرده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۰۷؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابن جزری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۹).

### ۳-۴. متصف به صفات نیک امت های قبل

ویژگی چهارم امت اسلام، «متصف بودن به صفات نیک امت های قبل» است. در برخی آیات ویژگی هایی برای اهل کتاب ذکر شده است که در این رابطه، به دو آیه اشاره می شود:

- آیه «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ \* يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ «ولی همه [آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درست‌کردارند که آیات الهی را در دل شب می خوانند و سر به سجده می نهند، به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند و در کارهای نیک شتاب می کنند و آنان از شایسته‌گانند و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند و خداوند به [حال] تقوای پیشگان داناست» (آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴).

در این آیه کلیاتی از صفات پسندیده برخی از اهل کتاب بیان شده است که شامل موارد زیر است:

- عبارت «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»، استواری و استمرار در ایمان را به دلیل فعل مضارع «يُؤْمِنُونَ» می‌رساند.
- عبارت «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»، امر به معروف و ناهی از منکر بودن مستمر را بیان می‌کند؛ زیرا جامعه انسانی آموزه‌های دینی خود را با تمام نیرو حفظ می‌کند و در برخورد با افراد متخلف سکوت نمی‌کند و فرد خاطی به حال خود رها نمی‌شود و حتماً با تذکرات دیگران مواجهه می‌شود.
- عبارت «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»، به مسارعت مستمر افراد در انجام امور خیر دلالت دارد. ذکر سه نکته در تفهیم دقیق این عبارت لازم است:

o نکته اول اینکه فعل «يُسَارِعُونَ»، مضارع باب «مفاعله» از ریشه «سرع» است. لغویان بین دو ریشه «سرع» و «عجل» تفاوت قائلند و معتقدند که «سرعت» به معنای جلو افتادن در کاری است که جلو افتادن در آن پسندیده است، بر خلاف «عجله» که

به معنای جلو افتادن در کاری است که نباید در آن شتاب کرد. بنابراین سرعت، پسندیده و عجله، ناپسند است (ر.ک: عسکری، ۱۴۰۰، ص ۱۹۸). برخی مفسران ادبی نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۱۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۵۰).  
 ○ نکته دوم اینکه واژه «الْحَيَّرَاتِ» در آیه به دلیل قاعده ادبی جمع محلی به «ال» افاده عموم دارد (ر.ک: حسینی طهرانی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۳۹). بر مطلق خیرات دلالت می‌کند. برخی مفسران ادبی نیز در ذیل کلماتی که این شرایط را دارند، به این نکته ادبی اشاره کرده‌اند (ر.ک: شیخ‌زاده، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۰).  
 ○ نکته سوم اینکه حرف جر «فی» در «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» دال بر این مطلب است که خیر در آن‌ها مستقر است و آن‌ها خارج از خیر نیستند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۵۰). بنابراین اهل کتاب متصف به این صفت، در انجام مطلق اعمال خیر سرعت دارند. بنابر مطالب گفته شده، آیه مذکور برای برخی از اهل کتاب، سه ویژگی «استمرار ایمان»، «آمر به معروف و ناهی از منکر بودن» و «مسارع در خیرات» را قائل است که این سه ویژگی برای امت اسلام نیز ذکر شده است:

- ویژگی اول یعنی «استمرار در ایمان به خدا» در آیه «وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»؛ «به خدا ایمان دارید» (آل عمران: ۱۱۰) آمده است که بنا بر نظر برخی مفسران، بر استواری و استمرار ایمان امت اسلام دلالت دارد (ر.ک: سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۶۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۴۳۹).
- ویژگی دوم یعنی «آمر به معروف و ناهی از منکر» نیز در آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ «شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید» (آل عمران: ۱۱۰) برای امت اسلامی بیان شده است (همان‌گونه که در بحث بهترین امت، به آن پرداخته شد). در آیات دیگری نیز به این امر اشاره شده است؛ از جمله در آیه «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ «و باید از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند» (آل عمران: ۱۰۴) که مفسران مراد از «أُمَّةٌ»

در آیه را امت اسلام می‌دانند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۶؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۴).

لازم به ذکر است که به گفته برخی مفسران، کلمه «من» در عبارت «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» برای تبعیض است؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر از واجبات کفایی است و هنگامی که در هر جامعه‌ای عده‌ای این کار را انجام دهند، تکلیف از سایرین ساقط می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۷۴).

• ویژگی سوم یعنی «مسارعه در انجام خیرات» نیز در آیه «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ «آنانند که در کارهای نیک شتاب می‌ورزند» (مؤمنون: ۶۱) به گواهی سیاق، برای امت اسلام آمده است که مضمونی مانند آیه مذکور (آل عمران: ۱۱۴) دارد.

- دومین آیه که یک ویژگی را برای اهل کتاب ذکر می‌کند که امت اسلام نیز متصف به آن هستند، آیه «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ»؛ «و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند» (اعراف: ۱۵۹) است.

به دلیل برتری امت اسلام بر سایر امت‌ها، این امت نیز می‌بایست این ویژگی را دارا باشد که آیه «وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ «و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند» (اعراف: ۱۸۱)، مضمونی شبیه آیه اخیر (اعراف: ۱۵۹) دارد که مفسران مراد از «أُمَّةٌ» در آیه را امت اسلام می‌دانند. (ر.ک: ابن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۲۱؛ ابن حموش، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۲۵۹۴). نکته قابل توجه اینکه ویژگی‌های گفته شده برای امت اسلامی، بر اغلب امت حمل می‌شود و این امکان وجود دارد که افراد معدودی در این امت باشند و شامل این ویژگی‌ها نشوند؛ همان‌گونه که برخی مفسران به این مطلب اشاره کرده‌اند (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۲۴).



## نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش در آیات الهی این شد که همه امت‌ها در چند ویژگی مشترک هستند؛ از جمله «رسول داشتن»، «شرایع مختلف»، «برخورد متفاوت با رسولان»، «اجل داشتن»، «محشور شدن» و «شاهد داشتن همه امت‌ها».

امت محمد ﷺ به عنوان امت آخرین پیامبر الهی، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از سایر امت‌ها برجسته و ممتاز کرده است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «بهترین امت» بودن که برخی مراد از آن را بهترین امت انسانی و برخی دیگر بهترین دین دانسته‌اند.

«امت وسط بودن» که مراد از آن را عادل بودن و برگزیده بودن ذکر کرده‌اند.

«شاهد بر مردم بودن» و اینکه رسول ﷺ شاهد بر آنان است.

«متصف به صفات نیک امت‌های پیشین»، مانند استواری و استمرار در ایمان، امر به معروف

و ناهی از منکر بودن، مسارعت مستمر در انجام امور خیر و راهنمایی به حق.

بنابراین امت اسلامی به دلیل ویژگی‌های مذکور، برتر و ممتاز شده است و جوامع دیگر و سایر

امت‌ها می‌توانند به عنوان الگو از آن استفاده کنند و سرمشق بگیرند.

## فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن جزى، محمد بن احمد، (١٤١٦ق)، التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم.
٣. ابن حموش، مكى، (١٤٢٩ق)، الهداية إلى بلوغ النهاية، شارجه: جامعة الشارقة، كلية الدراسات العليا و البحث العلمي.
٤. ابن سليمان، مقاتل، (١٤٢٣ق)، تفسير مقاتل بن سليمان، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٥. ابن عادل، عمر بن على، (١٤١٩ق)، اللباب فى علوم الكتاب، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
٦. ابن عاشور، محمد طاهر، (١٤٢٥ق)، تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
٧. ابن عربى، محمد بن على، (١٤١٥ق)، رحمة من الرحمن فى تفسير و اشارات القرآن، دمشق: مطبعة نصر.
٨. ابن فارس، احمد، (١٤٥٤ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (١٤١٩ق)، تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم، (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
١١. ابوالسعود، محمد بن محمد، (١٩٨٣م)، تفسير ابى السعود (ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٢. ابو عبيده، معمر بن مثنى، (١٣٨١ق)، مجاز القرآن، قاهره: مكتبة الخانجي.
١٣. اخفش، سعيد بن مسعود، (١٤٢٣ق)، معانى القرآن، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٤. ازهرى، محمد بن احمد، (١٤٢١ق)، تهذيب اللغة، بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٥. آلوسى، محمود بن عبدالله، (١٤١٥ق)، روح المعاني فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٦. بقاعى، ابراهيم بن عمر، (١٤٢٧ق)، نظم الدرر فى تناسب الآيات و السور، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
١٧. بيضاوى، عبدالله بن عمر، (١٤١٨ق)، أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى)، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٨. حسيني طهرانى، هاشم، (١٣٦٤ش)، علوم العربية، تهران: مفيد.
١٩. حويزى عروسى، عبد على بن جمعه، (١٤١٥ق)، تفسير نور الثقلين، قم: اسماعيليان.
٢٥. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (١٤١٢ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت: دار القلم.
٢١. زبيدى، محمد بن محمد، (١٤١٤ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دار الفكر.



۲۲. زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۲۳. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، (۱۳۷۲ش)، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: سر الاسرار.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۲۷. شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ق)، حقائق التأویل فی متشابه التزیل، بیروت: دار الأضواء.
۲۸. شیخ زاده، محمد بن مصطفی، (۱۴۱۹ق)، حاشیه محی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۲۹. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد: دار الکتب الثقافی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، ۳۰ جلد، بیروت: دار المعرفة.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الافاق الجدیة.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة.
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۳۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۱۳ش)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۹۰ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، كشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: امیرکبیر.
۴۲. نظام الاعرج، حسن بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.